

یوبیل فوق العاده رحمت

یوبیل کشیشان

جشن قلب مقدس عیسی



با برگزاری یوبیل کشیش ها که مصادف است با جشن قلب مقدس عیسی، دعوت گردیده ایم تا تعمق قلبی نماییم و به ژرفای آن رجوع نماییم به ریشه های تنومند زندگی، که هسته ی آن مهربانی است، در یک کلام به مرکزیت وجود شخص. امروز نگاه خود را معطوف دو قلب نماییم، قلب شبان نیکو و قلب ما به عنوان شبانان کلیسا.

قلب شبان نیکو قلبی نیست که فقط مملو از رحمت است بلکه رحمت به معنای کامل کلمه میباشد. جایی که نور محبت پدر در آن میدرخشد. در آنجا اطمینان دارم از اینکه آنگونه که هستم پذیرفته خواهم شد و مرا درک خواهند نمود؛ در آنجا با وجود گناهان و محدودیت ها مرا دوست خواهند داشت و مهر و محبت را دریافت خواهم نمود. با نگاه کردن به آن قلب محبت را برای اولین باره تجدید خواهم نمود. همراه با خاطره زمانی که خداوند روح مرا لمس نمود و مرا دعوت نمود تو به دنبال او روم، و نیز شادی انداختن تور زندگی بر کلام او را به همراه داشته باشم. (لوقا ۵: ۵)

قلب شبان نیکو به ما می فهماند که محبت او پایان و حد و مرز ندارد، هیچ وقت خسته و نا امید نمی شود. و تنها در آنجا خواهیم دید چگونه خود را بدون محدودیت فدا می سازد، تنها در آنجا سرچشمه محبت وفادار و پر مهر او را خواهیم دید، که آزادی می گذارد و آزادی می بخشد و او را خواهیم دید، که آزادی می گذارد و آزادی می بخشد او را خواهیم دید، که آزادی می گذارد و آزادی می بخشد؛ آنجا کشف خواهیم نمود اینکه هر لحظه ما را دوست دارد « تا به آخر » (یوحنا ۱۳: ۱) هیچ وقت باز نمی ایستد تا به آخر و هیچگونه اعتراضی نمیکند.

قلب شبان نیکو بر همگان باز است، نظر بر همه دارد مخصوصاً آنانی که دور هستند، نوک فلش قطب نمای آن، ضعف محبت آنان را در می‌یابد، زیرا دوست دارد به همه نزدیک شود بدون اینکه کسی را جا بگذارد.

در مقابل قلب عیسی پرسش اساسی از زندگی کشیشی ما بر انگیزته می‌شود: این سوالی است که بیشتر اوقات ما کشیشان باید مرتب از خود بنماییم، هر روز، هر هفته، قلب من متوجه کدام جهت است؟ این راز همیشه مملو از ابتکارات جدید است، که در مقابل راه های متفاوتی قرار می‌گیرد، از آموزه های مراسم کلیسایی گرفته تا رحمت و محبت، تا فعالیتهای شبانی و اداری. در میان این همه فعالیت این سوال باقی می‌ماند، قلب من به کجا متمرکز است؟ این جواب از خاطره شیرین دعای مراسم کلیسایی به من می‌رسد: جایی که شادی واقعی در آنجاست، کجا را هدف خود قرار می‌دهم، در جستجوی کدام ثروت هستیم؟ عیسی می‌فرماید: « زیرا هر جا که گنج تو است قلب تو هم آنجا خواهد بود» (متی ۶: ۲۱). ضعف در همه ی ما وجود دارد، حتی گناه نیز. ولی باید به عمق موضوع رفت، به ریشه ی آن، ریشه ی ضعف و گناهان ما کجا قرار دارد، یعنی همان جایی که آن گنج ما قرار دارد که ما را از خداوند دور نگه می‌دارد؟

ثروت پایان ناپذیر عیسی دو نوع هستند: پدر و ما. او روزهای خود را در دعا برای پدر و ملاقات به مردم سپری می‌شد. ملاقات به جای فاصله گرفتن. حتی قلب شبانی مسیح نیز دو مسیر را می‌شناسد: خداوند و مردم. قلب کشیش، قلبی است که محبت خداوند در آن فرو رفته است، به همین منظور دیگر مربوط به شخص او نمی‌باشد، نباید فقط به خود فکر نماید، بلکه به خداوند و برادران خود. دیگر قلبی احساساتی نیست که تحت تاثیر وقایع روزمره قرار گیرد که در جستجوی لحظات کوتاهی از لذت زود گذر باشد. بلکه قلبی استوار در خداوند است، که از روح القدس نشأت می‌گیرد، و به سوی برادران گشوده می‌باشد و آماده به خدمت. و در آنجا است که از گناهان خویش پاک می‌گردد.

برای اینکه قلب مان همواره در آتش شفقت عیسی آن شبان نیکو بسوزد، باید این اعمالی که در رساله های امروز خوانده شد، یعنی، جستجو کردن، شریک نمودن و شادی کردن را پیشه ی راه خویش قرار دهیم.

جستجو کردن: خزقیال نبی یادآور می‌شود که این خدا است که همواره در جستجوی گوسفندان خویش است (۳۴: ۱۱ و ۱۶)، و انجیل می‌فرماید: «به دنبال گمشده باش» (لوقا ۱۵: ۴)، بدون واهمه داشتن از ریسک های آن، بدون اضطراب داشتن از ماجرا های خارج از محدوده ای چراگاه یا خارج از ساعات کاری. و به دنبال دریافت پول برای اضافه کاری نبود. جستجو را به عقب نمی‌اندازد، به این فکر نمی‌کند « امروز واجبات خود را انجام داده ام، در صورت نیاز فردا به بقیه کارها خواهم پرداخت»، بلافاصله کار خود را آغاز نمی‌کند، قلب او آرامی ندارد تا گوسفند گمشده را نیابد. بعضی مواقع خستگی را فراموش می‌نماید و آن را

بر دوش میگیرد و از یافتن آن شاد می‌شود. بعضی مواقع باید برای جستجوی آن بیرون رود، صحبت نماید، وادار کند؛ در مواقع دیگر باید در مقابل خیمه ی قربانی مقدس قرار گیرد و به خاطر آن گوسفند گمشده با خداوند جدال نماید.

این آن قلبی است که جستجو می‌نماید، قلبی است که زمان و فضا را اختصاصی نمی‌کند. وای به حال کشیش‌هایی که وظیفه ی شبانی خود را اختصاصی می‌کنند! بر آرامش مشروع خویش حسادت نمی‌ورزد، حتی بر مشروع نیز، و هیچ وقت ادعا ننماید که مورد مزاحمت قرار گرفته است. شبانی که مطابق قلب خدا زندگی نماید مدافع راحتی و آرامش خویش نیست، در این تلاش نیست تا نام خود را محفوظ دارد، بر او تهمت وارد خواهد گردید همانطور که عیسی بدون ترس آنها را مؤاخذه می‌نماید، حاضر است به چالش کشیده شود، حتی در تقلید پروردگار خویش « خوشحال باشید چون شما را فاش دهند و جفا رسانند، .. » (متی ۵: ۱۱).

شبان برای عیسی قلبی آزاد دارد تا همه چیز را رها نماید، بر حسب محاسبه اعمال و ساعات خدمت زندگی نمی‌نماید؛ حسابدار روح القدس نیست، بلکه سامری نیکو است که در جستجوی کسی باشد که محتاج است. شبان است نه اینکه بازرس گله، خود را در اختیار بشارت قرار می‌دهد نه پنجاه یا شصت در صد، بلکه تمام وجود خویش را. در جستجو است که می‌یابد، و می‌یابد چون خطر و مشکلات را می‌پذیرد. اگر شبان خطر و مشکلات را نپذیرد، نخواهد یافت. تسلیم ناامیدی نمی‌شود و خستگی او را از پا در نمی‌آورد. به همین منظور نیکی را علنی و آشکار نمی‌کند، مسح شده توسط قدرت الهی منوط بر اینکه هیچ کس گمراه نگردد. به همین دلیل نه فقط درب را باز می‌گذارد، بلکه در جستجوی کسی خواهد بود که نمی‌خواهد از در وارد گردد. مانند هر مسیحی نیکو، مانند گواه برای هر مسیحی، یعنی، همیشه خارج گشتن از در خود بسته بودن. مرکزیت قلبی او خارج از او قرار دارد، محوریت او عیسی است نه خویشتن. جذب منیت خود نمی‌گردد، بلکه جذب « تو » از طرف خدا و « ما » از جانب انسانها می‌گردد.

کلمه دوم شریک نمودن: مسیح دوست دارد گوسفندان خود را بشناسد، زندگی خود را برای آنها فدا می‌کند و هیچ کس از آن مبرا نیست (یوحنا ۱۱: ۱۰-۱۴). گله او خانواده و زندگی او به حساب می‌آید. اربابی نیست که گوسفندان او را هراس داشته باشند، بلکه شبانی که همراه با آنان مسیر را می‌پیماید و هر یک را به اسم می‌خواند (یوحنا ۱۰: ۳-۴). و آرزو دارد تا همه گوسفندانی که از او دور می‌باشند را یک جا نزد خویش جمع نماید. (یوحنا ۱۰: ۱۶).

کشیشِ مسیح نیز باید بدینگونه رفتار نماید: او برای مردم مسح گردیده است، نه اینکه اهداف خود را فقط اجرا نماید، بلکه باید به مردمی که خدا به واسطه کلیسا به او سپرده است، نزدیک باشد. هیچ کس از قلب او از دعا و لبخند او مستثنی نیست، با نگاه پر مهر و قلبی پدارنه، او را شریک میسازد و هر وقت بخواهد او را اصلاح نماید، همیشه برای نزدیک شدن است: هیچ کس را خوار و ذلیل نمی نماید بلکه حاضر است همیشه در خدمت دیگران باشد. شبان نیکو تظاهر نمی نماید.

خادم قربانی مقدس را که برگزار می کند و زندگی می نماید، هیچ وقت منتظر سلام کردن و یا تشویق دیگران نیست، بلکه قبل از همه دست سلام به سوی ایشان دراز می نماید و غیبت را نهی و قضاوت ها و زهر حاصل از آنها را دور می کند. با صبر و شکیبایی به مشکلات گوش فرا می دهد، قدم های آنان را همراهی می کند و بخشش خدا را سخاوتمندانه به آنها می رساند. هر کس را که راه راست را نپیماید، مؤاخذه نمی کند، ولی همیشه حاضر است تا صلح را در مجادله برقرار نماید. انسانی است که شراکت را عطا می نماید.

شاد بودن: خدا « مملو از شادی » است (لوقا ۱۵: ۵) شادی او حاصل بخشش اوست، از زندگی که نشأت می گیرد، از فرزندی که بار دیگر هوای خانه را تنفس می کند. شادی عیسی، شبان نیکو، فقط از آن خویش نیست، بلکه برای دیگران و همراه با دیگران است، شادی واقعی از محبت. این شادی از آن کشیش نیز هست. او بوسیله رحمت بلا عوض که اهدا می نماید متغییر می شود. در دعا تسلی خدا را دریافت می نماید و در می یابد که هیچ چیز قدرتمند تر از محبت او (خدا) نیست. برای همین باطناً در آرامش است، و از اینکه با رحمت همراه است شاد است، و از اینکه قلب انسان را به سوی خدا برگرداند.

غم برای او معنی ندارد، بلکه گذرا است، سختگیری برای او غریب است، زیرا شبان بر حسب قلب رؤوف خدا است.

کشیشان عزیز، در مراسم قداس قربانی مقدس امروز، هر روز این هویت خود را به عنوان شبان کشف نماییم. کلمات او را هر روزه به کار گیریم « این است بدن من، فدیة برای شما ». حس واقعی زندگی ما است، کلماتی که به وسیله ی آنها میتوانیم قولی که هنگام دست گذاری داده ایم تازه نماییم. از شما به خاطر « آری » گفتن سپاس گذارم و همچنین به خاطر « آری های » هر روز که بروز داده نشده اند، ولی خداوند آنها را می شنود و می شناسد. از شما سپاس گذارم به خاطر آری گفتن در فدیة قرار دادن زندگیتان در اتحاد با عیسی که همان سرچشمه ی واقعی شادی ما است.

